

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)  
علمی - پژوهشی  
سال چهارم - شماره چهارم - زمستان ۱۳۹۰ - شماره پیاپی ۱۴

## ساخت ترکیبات وابسته‌های عددی خاص در غزلیات بیدل

(ص ۲۱۲ - ۲۰۱)

رقیه کاردل ایلواری<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۶/۱۷

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۰/۸/۲۵

### چکیده:

در بررسی سبک بیدل و پژوهش در وابسته‌های عددی شعر وی این باور شکل می‌گیرد که یکی از هنرهایی که در سبک هندی بویژه شعر بیدل جلوه‌گری میکند، ترکیبات جدید و استفاده از اعداد در ساخت آن است که عامل تنوع لغات و اصطلاحات در زبان شده است. ساخت این ترکیبات و ایجاد طرز نو و ساختارشکنی بیدل تعیین‌کننده جایگاه طرز او در بین شاعران سبک هندی است، در این جستار تلاش شد به ساخت انواع وابسته‌های عددی که شفیع‌ی کدکنی در کتاب شاعر آینه‌ها از آن بعنوان عوامل ابهام‌زا نام می‌برند، ترکیبات تازه و مضامین جدید غزلیات بیدل و تحلیل پیوند آنها اشاره شود تا بدین طریق یکی از شگردهای شعری بیدل نشان داده شود. شایان ذکر است که تمامی شاهد مثال‌های غزلیات بیدل دهسوی برگرفته از کتاب کلیات بیدل، تصحیح اکبر بهاروند و پرویز عباسی داکانی و است.

### کلمات کلیدی:

غزلیات بیدل، ترکیبات وابسته عددی، سبک هندی، انتزاعی، مادی، عدد، معدود.

---

<sup>۱</sup> - کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی، lateletka@yahoo.com

**مقدمه :**

در هر دوره‌ای شاعران یا نویسندگانی داشته‌ایم که بر اساس نیاز به لغات جدید و با تکرار و بسامد آن، سبک آفریده و صاحب سبک شده‌اند و این شاخصه هر زبان و از ویژگیهای زبانی و پویایی زبان هر قوم و ملتی است. در این مسیر سبک توسط برخی پایه-گذاری، و توسط برخی دیگر، اوج میگیرد و به کمال میرسد.

بیدل دهلوی یکی از شاعرانیست که با استفاده از شیوه «عدد + معدود» مضامین و تصاویری تازه در شعر خود ساخته است. در این مقاله نشان داده میشود که چگونه بار زیبایی شعر بر دوش همین عدد و معدودها می‌افتد. موتیو یا یک تم خاص، زمینه تصویرسازی اشعار را ایجاد میکنند. در وابسته‌های عددی غزلیات بیدل، همانطوری که در بحث آمار آورده شد، اعداد، بویژه عدد یک بیشترین و صفر کمترین کاربرد را دارد.

«در شعر هر ملتی مجموعه‌ای قرارداد ادبی وجود دارد که شاعران نسل اندر نسل، آن را عملاً پذیرفته‌اند و سابقه‌ی تاریخی بعضی از این قراردادها گاه عمری دراز دارد مثلاً عاشق گل بودن بلبل. اینها سنتهای ادبی کلیشه‌شده ادبیات فارسی است و به هیچ وجه جنبه جهانی ندارد» (شاعر آینه‌ها، شفیعی کدکنی، ۳۲۱).

تصویر در شعر بیدل، از نوع انتزاعی و اتفاقی است، حسی و مادی نیست.

**چگونگی ساخت ترکیبات وابسته‌های عددی:**

شایان ذکر است که ژرف ساخت و بُن‌مایه تصاویر ترکیبات خاص بیدل، برخلاف آنچه که در کتاب شاعر آینه‌ها گفته شد، تشبیه نیست بلکه مجاز به علاقه حال و محل یا ظرف و مظهر است که خود عامل آشنایی زدایی و ساختارشکنی شده‌است.

بر اساس نظر نگارنده، این ترکیبات از سه قسمت تشکیل شده است (عدد+ وابسته+ معدود) مثل: «یک سحر رسوایی» که در این ترکیب، (یک+ سحر) با هم ترکیب عددی را میسازند که وابسته عددی نامیده میشود (رسوایی) هسته است. یعنی در واقع وابسته قابل حذف است و در رساندن پیام و معنای جمله تأثیر گذار نیست، ولی هسته اینگونه نیست. البته ترکیبات دو قسمتی (متشکل از دو کلمه) زیادی در اشعار بیدل وجود دارد.

هیچ حرکتی بین (عدد+ وابسته+ معدود) وجود ندارد یعنی ترکیب بصورت یکنواخت بدون هیچ مصوتی تلفظ میشود. مثل: (صد عقبی امل) که اگر دقت شود، پایان هر واژه صامت است و این قانون در طول اشعار و بین ابیات نیز، رعایت میشود. یعنی این ترکیبات

چه در قالب شعر و چه بصورت جداگانه خوانده شود، هر سه واژه ساکن است و ترکیب نه به ماقبل خود می‌چسبد و نه به ما بعد.

### \*بررسی ساخت ترکیبات خاص با نگاهی دستوری:

ترکیباتی که تاکنون در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند، ترکیبات خاص عددی بودند که بر اساس نظر شفیع بدین نام، نامگذاری شدند. اما بررسی این ترکیبات از دیدگاه دستوری بحثی دیگر را می‌طلبد چرا که ما را به بحث دستوری گروه اسمی و گروه وصفی نزدیک میکند. برای مثال در ترکیب (یک سحر رسوایی)، (یک + سحر) موصوف و صفتی هستند که گروه اسمی را تشکیل می‌دهند. و قرار گرفتن هر سه کلمه در کنار هم و ساختن یک ترکیب جدید، گروه اسمی دیگری را می‌سازد که رسوایی، هسته و یک سحر، وابسته آن می‌باشد. این قرارداد، شامل همه ترکیبات خاص بیدل میشود.

### وابسته‌های عددی:

یکی از عناصر و شاخصهای سبکی شعر بیدل، وابسته‌های عددی است. که این وابسته‌ها خود عامل ایجاد ترکیبات خاص و جدید، آشنایی زدایی (defamilization)، انحراف از نرم و هنجار (هنجارگریزی)، غریب سازی و برجسته سازی می‌باشند. البته اینکه طرز آشنایی زدایی بیدل سبب ایجاد این ترکیبات شدند، یا ترکیبات ایجاد شدند سپس آشنایی زدایی ظهور یافت، جای تأمل دارد.

«آشنایی زدایی مقوله وسیعی است که هم جنبه لفظی دارد و هم جنبه معنوی، اما عمدتاً مسایل زبانی است» (سبک شناسی شعر، شمیسا، ۱۵۹). استفاده از ترکیبات تازه و نو است که شعر بیدل را دیر فهم و دور از ذهن کرده است. به نظر نگارنده عامل ناشناخته ماندن بیدل در میان فارسی زبانان ایرانی و غیر ایرانی، مغلق گویی و همین ابهام است شاعر معنی را فدای لفظ کرده و مضامین و اصطلاحات و شاخصهایی مختص به زمان خود و با توجه به ذهن خود را بیان کرده که دیگران قادر به کشف معنا و مضمون آن نمی‌باشند. ابهام باید هنری باشد به شکلی که باعث پیچیدگی و دیرفهمی نوشته نشود. و هر صنعتی که از حد اعتدال خارج گردد و باعث افراط شود، هنری و پسندیده نیست. «اما رمز اصلی پیچیدگی آن در تلاش بیسابقه و نوجویانه بیدل برای آمیختن مفاهیم منسجم عرفانی - فلسفی با زبان ظریف سبک هندی است» (بیدل، سپهری و سبک هندی، حسینی، ۱۰۰).

مثلاً اگر بگوییم (یک قطره خون) این ترکیب میان فارسی زبانان شناخته شده و مألوف است و یک محور مألوف جانشینی کلمات است. ولی اگر بگوییم (یک دشت مجنون) این ترکیب با وابسته عددی جدید، برای فارسی زبانان اهل ادب و هنر قابل فهم و تصور است. و در دایره ذهنی آنان شناخته شده و قابل پذیرش می‌باشد. تصرف در محور همنشینی یک از عواملی است که باعث ایجاد آشنایی‌زدایی و عادت‌زدایی می‌شود.

بیدل ترکیبات و واژه‌های زیبا و زیادی را تقدیم زبان فارسی کرده که در ترفیع سطح فکری و فرهنگ بالای گویشوران این زبان تأثیرگذار است. زبان فارسی، زبانی ترکیبی است که این مسأله غنای آن را می‌رساند. وجود شاعرانی چون بیدل نیز تأثیرگذار بودند. از دیگر مشخصه‌های شعر بیدل و ویژگی‌های سبکی او این است که ترکیبات تازه و ادراکات نو باعث ایجاد صنعت برجسته‌سازی (foregrounding) نیز می‌شود. و آن عدولهای برجسته هنری از زبان عادی است.

با توجه به موضوع مقاله که کشف وابسته‌های عددی در کل غزلیات دیوان بیدل می‌باشد، سعی شده‌است تمام وابسته‌ها به همراه اعداد و معدودشان محاسبه شوند.

اعدادی که در کل غزلیات به کار رفتند، شامل:

یک، دو، ده، صد، هزار، صد هزار، یک دو و چندین بوده‌است. اگر نظام نحوی ترکیب چنین باشد: «عدد + وابسته عددی + معدود»، این نظام نحوی و ترکیب را در چهار صورت در اشعار بیدل میتوان مشاهده کرد:

۱) عدد + وابسته مادی + معدود مادی مثل: صد مصر شکر

۲) عدد + وابسته مادی + معدود انتزاعی مثل: یک سحر رسوایی

۳) عدد + وابسته انتزاعی + معدود مادی مثل: یک افتادگی زنجیر

۴) عدد + وابسته انتزاعی + معدود انتزاعی مثل: صد عقبی امل (شاعر آینه‌ها، شفیع کدکنی، ۴۷)

این چهار گروه در این ساختار قرار می‌گیرند و عامل ایجاد ترکیبات خاص با مضمون آفرینی جدید میشوند و اینجاست که شعر بیدل مملو از پیچیدگی و ابهام می‌شود. کدام ساختار از این ترکیبات جدید باعث ایجاد خیال پردازی و تخیل بیشتری در شعر بیدل می‌شود؟

در برخی از ابیات غزلیات بیدل، بیش از یک وابسته وجود داشت مثل:

قیامت میکند حسرت مپرس از طبع ناشادم که من صد دشت مجنون دارم و صد کوه فرهادم

و در برخی از ابیات، دو نوع از وابسته وجود دارد که یکی «عدد + وابسته عددی مادی +

معدود انتزاعی» و دیگری، «عدد + وابسته عددی انتزاعی + معدود مادی» و ..... .

میتوان گفت تنها دستوری که در مورد اعداد و عبارات عددی بحث کرده‌است، دستور معاصر لازار می‌باشد. که در مورد ساختار نحوی عبارات کمیت‌نما بحث میکند. و مینویسد: «گاهی این دو نوع عبارت تنها با یک تفاوت ظریف معنایی از یکدیگر مشخص میشوند: سه قطره خون: خون به مقدار سه قطره / سه قطره خون: سه قطره از جنس خون و در ذیل این مطلب مینویسد: عبارات بیان کمیت را میتوان به عنوان قید نیز به کار برد» (دستور زبان فارسی معاصر، ژیلبر لازار، ۱۲۹).

### الف: عدد+ وابسته عددی مادی+ معدود مادی

۱- قابل نظاره آن جلوه گشتن مشکل است/ گر همه صد نرگستان چشم حیران بشکفد(ص ۸۲۱، ب ۱۸)

در ژرف ساخت و زیر ساخت این بیت یک رابطه هنری تشبیهی وجود دارد. تصویر تشبیه چشم به نرگس. یعنی معدود به وابسته عددی تشبیه شده‌است. مراعات النظیر بین چشم، شکفتن، نرگس، نظاره، جلوه.

- بنظر میرسد اصلیتین عوامل زیبایی شناسانه بیت مبالغه و واژه «نرگستان» باشد که در تناظر با «گلستان» یا «باغستان» و... ساخته ذهن شاعر است همچنین ارتباط معنایی میان نرگس و چشم جالب توجه است.

۲- ما گمان آگهی بردیم از این بیدانشان/ ورنه عالم یک قلم مژگان گشا خوابیده بود (ص ۸۳۷، ب ۲۵)

بدون تردید برجستگی هنری این بیت، از طریق کاربرد ترکیب «یک قلم مژگان گشا» ایجاد شده‌است. ترکیبی بدیع و تازه از طریق همنشین کردن واژه‌های آشنا. بیدل در بسیاری از ابیات خود برای ارائه معانی کشفی و شهودی مورد نظر خود ناگزیر از ساختن ترکیباتی تازه میشود.

۳- اثرهای تعلق نیست مانع وحشت ما را/ قفس تا ناله دامن بر زند صدرنگ چین دارد (ص ۸۵۴، ب ۴)

واحد اندازه‌گیری چین، رنگ بیان شده‌است. به نظر میرسد تصویر این ترکیب در بحث نقاشیهای چین خلاصه میشود. نکته هنری این بیت در مناسبت معنایی میان «اثرهای تعلق» و «صدرنگ چین» نهفته است. شاعر نشانه‌های وابستگی به دنیای مادی را به رنگارنگی عناصری تغییر کرده‌است که موجب تعلق میشوند. غفلت مضمون مرکزی این بیت است.

۴- به آهنگ نثر مقدم گلشن تماشایت/چمن در هر گلی صد نرگستان سیم و زر دارد  
(ص ۸۸۲، ب ۴)

تشبیه سیم و زر به نرگس به خاطر وجه شبه رنگ زرد. صنعت مراعات‌النظیر بین لغات:  
گل، چمن، سیم و زر، نرگس و تماشا وجود دارد.

۵- گریبان چاکی دارند مشتاقان دیدارت/که گر اشکی به عرض آرند، صد طوفان سحر ریزد  
(ص ۸۸۲، ب ۴)

مناسبت اشک و طوفان در این بیت چشمگیر مینماید. واحد اندازه‌گیری سحر، طوفان بیان شده. تصویر ژرف ساخت این ترکیب بدینگونه است که هنگام سحر زمان ناله و دعا و جوش و خروش است که با این وجه شبه به طوفان تشبیه شده است و همچنین همنشینی لغاتی چون: اشک، سحر، گریبان چاکی و مشتاق این تصویر را پررنگتر میسازد. نیز میتوان به جاری شدن اشک و طوفان توجه داشت.  
- مبالغه در این بیت بسیار به چشم می‌آید.

#### ب: عدد+ وابسته عددی انتزاعی+ معدود مادی:

۱- یک تپیدن پرده بر دارد اگر شور جنون/ بوی گل از ناله عربانتر پریشان میشود  
(ج ۱، ص ۸۰۰، ب ۱)

تشخص ادبی این بیت در حد و اندازه‌ای بسیار بالا قرار دارد و از این رو، ضروری است مناسبات نهانی پنهان واژه‌ها را آشکار کنیم «پرده برداشتن» از یک سو با بوی گل مرتبط است: یعنی برداشتن پرده (غشای نازک گل) باعث انتشار بوی گل میشود، از سوی دیگر، واژه پرده با ناله مرتبط است زیرا اشاره به پرده‌های صوتی دارد. شاعر میگوید: اگر شورجنون با یک تپیدن (جنبیدن) پرده از روی گل بردارد، یا با یک تپیدن پرده بردارد (آواز بخواند) بوی گل بیواسطه‌تر به مشام خواهد رسید.

منظور از پرده: اصطلاح موسیقایی و منظور از پرده برداشتن: صدا را بلند کردن است.

۲- ناله‌ای کافی است گر مقصود باشد سوختن/ یک شرر سامان صد گلخن بضاعت میشود  
(ج ۱، ص ۸۶۵، ب ۲۱)

ساختار بیت تمثیلی است، مناسبات میان لغات آشکار است. همچنان که ناله‌ای برای سوختن کافی است، یک شعله برای به آتش کشیدن گلخن بس خواهد بود.

۳- زمین و زلزله گردون و صد جنون گردش/ در این دو ورطه کسی آرمیده میماند  
(ج ۲، ص ۲۱۷، ب ۲)

به نظر میرسد اصلیت‌ترین عنصر ادبی این بیت همان ترکیب «صدجنون گردش» باشد. شاید بتوان گفت شاعر در مصرع اول زمین و گردن را بواسطه زلزله (لرزیدن) و جنون گردش (گردیدن) جاندار انگاشته است. مصرع دوم از جمله‌ای پرسشی تشکیل شده است که مقصود از آن استفهام انکاری میباشد.

۴- دل به وحشت نه که چرخ سفله فرصت دشمن است / روز و شب یک جنبش مژگان چشم تنگ اوست  
(ج ۱، ص ۵۵۲، ب ۱۶)

عناصر زیبایی شناسانه در این بیت در مصرع دوم به چشم میخورد. شاعر ابتدا چرخ را جاندار انگاشته و سپس روز و شب را حاصل یک پلک زدن آن بیان کرده است. این نوع تعبیر بدیع و شاعرانه از ویژگیهای اصلی شعر بیدل به شمار می‌آید. «چشم تنگ» نیز در پایان مصرع دوم ایهام دارد. یکی به مناسبت سفله، بخل و تنگ چشمی را می‌رساند و دوم اینکه منظور تنگی در مقابل درستی چشم است. چشم دنیا به سبب پیایی شدن روز و شب است که فرصت کم را به ذهن تلقی میکند چراکه شب تداعی کننده چشم بسته و روز، تداعی کننده چشم باز نیز میباشد.

۵- دو تا گشتیم در اندیشه یک سجده پیشانی / به راه دوست خاتم کرد ما را بی‌نگینها  
(ج ۱، ص ۳۶۶، ب ۲)

در مصرع اول علاوه بر کارکرد تصویری، مناسبت اعداد «دو» و «یک» جالب توجه است. این نکته نشان از آگاهی و دقت شاعر در گزینش لغات و ترکیب آنها در جوار یکدیگر دارد.

### ج: عدد+وابسته عددی انتزاعی+معدود انتزاعی

۱- یک معنی خردیم که در وهم نگنجد / هر گه به تأمل نگری صورت هم را  
(ج ۱، ص ۳۳۷، ب ۳)

همانطور که پیش از این گفته شد، این ترکیب از پیچیده‌ترین و خیالی‌ترین ترکیبات است. که واژه‌های (معنی، خرد، وهم، تأمل) همگی از مفاهیم انتزاعی هستند.

۲- بوریا راحت مخمل به فراموشی داد / صد جنون شور نیستان رگ خواب است اینجا  
(ج ۱، ص ۳۲۲، ب ۱۳)

روابط معنایی ضمنی میان لغات «بوریا» و «نیستان» (بوریا حصیری از نی ساخته میشود) و «راحت مخمل و خواب» از عوامل زیبایی این بیت است.

۳- از نواهای یک آهنگ ازل هیچ می‌رس / حکم سر دادن شوقست اگر پا بخشند  
(ج ۲، ص ۱۲۶، ب ۱۵)

تقابل ظاهری میان «سر دادن» و «پا بخشیدن» جالب توجه است. «سر دادن» ایهام دارد.  
۴- یکسر مو خالی از پرواز شوخی نیست حُسن / صد نگه خوابیده در تحریک مژگان شما  
(ج ۱، ص ۳۳۷، ب ۳)

تقابل بین «یک» و «صد» و اضافه بدیع (پرواز شوخی) موجب زیبایی بیت شده‌است.  
بین خوابیده، تحریک و پرواز، رابطه تضاد وجود دارد.

۵- سپند مجمر هستی ندارد آن همه طاقت / نیاز حوصله کن یک تپش درنگ برون آ  
(ج ۱، ص ۳۲۰، ب ۱۰)

تشبیه هستی به مجمر، رابطه معنایی تپش (جنبیدن) با سپند (تحرك و قرار نداشتن) و تناسب میان «طاقت»، حوصله و «درنگ» موجب ادبیت در این بیت شده‌اند.

#### د: عدد+وابسته عددی مادی+معدود انتزاعی

۱- تا یک مژه خوابم بُرد از خویش چو اخگر / خاکستر دل جوش زد و بالش پر شد  
(ج ۱، ص ۸۱۱، ب ۲۰)

تشبیه شاعر به اخگر و دل به خاکستر، تناسب یا مراعات نظیر بین لغات «خواب»، «بالش» و «اخگر» و «خاکستری» و ترکیب خاص (یک مژه خواب)، از عوامل ایجاد ادبیت در این بیت هستند.

۲- غنچه بر یک مشت زر صد رنگ خست چیده‌است / اینقدر یا رب مبادا دست کس تنگی کند  
(ج ۱، ص ۸۱۸، ب ۱۸)

در یک مصرع دو وابسته عددی عام (یک مشت زر) و خاص (صد رنگ خست) آمده‌است.  
ساختار بیت تمثیلی است. شاعر بواسطه شکل ظاهری غنچه که زردی درون آن در رنگارنگی پرهای غنچه پنهان است مضمون خست را بیان نموده‌است. مصرع اول در حکم تابلوی نقاشی است که شاعر با واژگان آن را به تصویر کشیده‌است.

۳- ز سر تا پای ساغر یک دهن خمیازه میبینم / ز حرف لعل میگونی که مینا گفتگو دارد  
(ج ۱، ص ۸۲۹، ب ۵)

تصویر ارائه شده در مصرع اول از دهانه باز ساغر و تعبیر آن به خمیازه مهمترین دلیل ادبیت این بیت است. عوامل زیبایی‌شناسانه دیگر عبارتند از تناسب میان واژه‌های (سر، پا، دهن) و مراعات نظیر در کلمه‌های «دهن، حرف، گفتگو». تشخیص در مصرع دوم نیز جالب توجه است.



۴- صد کوچه خیال است غبار نفس اینجا/ تا سیر گریبان به چه اندیشه دواند

(ج ۲، ص ۱۶۷، ب ۱۳)

ترکیب «صد کوچه خیال» و اضافه تشبیهی «غبار نفس» و تناسب ضمنی میان «کوچه» و «دواندن» موجب ادبیت این بیت است. محو شدن سریع بخار نفس بعد از خروج از دهان با ابهام آمیز بودن خیال در یک تناسب شاعرانه، همراه خصلت کشف گونه آن بسیار برجسته است. پیوند اندیشه و خیال و غبار و کوچه شایان توجه است.

۵- شبنم رم طینتم بیدل گر افسردم چه باک/ میرسد بر یک جهان بی طاقتی نازم هنوز

(ج ۲، ص ۲۸۸، ب ۱۱)

کار برد صفت «رم طینت» (دارای سرشت گریزان) برای شبنم بسیار بدیع است. همچنین اغراق در بیطاقتی بواسطه «یک جهان» موجب تشخیص هنری بیت شده‌اند.

\* اکنون با توجه به ترکیبات خاص بیدل که در چهار مورد به ترتیب از حرف (الف تا دال) بیان شده‌است، ترکیبات دیگری نیز از کل غزلیات بیدل بدست آمده‌است که به تقسیم‌بندی جزئی‌تر آن در شش شماره میپردازیم:

#### ۱. وابسته با عدد ترکیبی یک‌دو:

۱- جهان به ضبط نفس بود و من ز هرزه دری‌ها/ به این کمند رسا یک دو چین شکار نکردم

(ج ۲/ص ۵۸۸/ب ۱۴)

عدد+ وابسته عددی مادی+معدود مادی

۲- بهار فرصت مشق جنونم می‌رود بیدل/ زمانی صبر کن تا یک دوداغ لاله بنویسم

(ج ۲، ص ۴۸۵/ب ۷)

عدد+ وابسته عددی مادی+معدود مادی

۳- مغرور نباشی که این یک دو نفس عمر/ وارسته نگاه‌یست به زندان تغافل

(ج ۲، ص ۴۰۲، ب ۱۷)

عدد+ وابسته عددی انتزاعی+معدود انتزاعی

۴- جبین شمع به قدر نم آشیان صباست / تو نیز یک دو عرق دامن حیا مگذار

(ج ۲، ص ۲۶۸، ب ۲۱)

عدد+ وابسته عددی انتزاعی+معدود انتزاعی

۵- بر فرصت هستی مفروشید تعین/ کو یک دو شرر چین که کشد دامن کاغذ

(ج ۲، ص ۲۵۱، ب ۶)

## ۲. وابسته‌های عددی عام:

- ۱- آسایشم به راه تو یک نقش پا نبست/ جمعیتم ز زلف تو یک تار مو نشد  
(ج ۲، ص ۳۸، ب ۱)
- ۲- غنچه بر یک مشت زر صد رنگ خست چیده‌است/ اینقدر یارب مبادا دست کس تنگی کند  
(ج ۱، ص ۸۱۸، ب ۱۸)
- ۳- ز انتظار صبح باید بر چراغم خون گریست/ بهر یک لب خنده چندین اشک نقصان کرده‌ام  
(ج ۲، ص ۵۳۴، ب ۴)
- ۴- مدعا دل بود اگر نیرنگ امکان ریختند/ بحر این یک قطره خون صد رنگ طوفان ریختند  
(ج ۲، ص ۱۸۵، ب ۱۵)
- ۵- خرابات یقین فرقی ندارد ظرف و مظروفش/می و مینا همان یک دانه انگور میباشد (ج ۲، ص ۲۱۴، ب ۳)

## ۳. وابسته با پیشوند شباهت (وار):

- ۱- بر خاک درش منفرم باز گذارید/ کز سعی چنین یک دو عرقوار بگریم  
(ج ۲، ص ۴۷۰، ب ۱۶)
- ۲- ره آوارگی عمریست میپویم نشد یارب/ که چون تمثال یک آینه‌وارم دل شود پیدا  
(ج ۱، ص ۳۸۸، ب ۷)
- ۳- عمرها شد چون گهر تهمت کش بی‌دردییم/ یاد ایامی که چشمم یک دو شب‌نم‌وار داشت  
(ج ۱، ص ۶۷۸، ب ۱۸)
- ۴- ای حباب‌اجزای موجی‌سازت از خود رفتنست/ یک تأمل‌وار اگر باخود فرومانی بس است  
(ج ۱، ص ۶۶۹، ب ۴)
- ۵- دارم دلی به صد طیش آهنگی جنون / یک اشکوار تا به رسیدن چکیده‌ای  
(ج ۲، ص ۸۳۱، ب ۴)

## ۴. ترکیباتی با پیشوند (چندین):

- ۱- هزاران موج ساحل گشت چندین قطره گوهر شد/ همان محمل طراز دوش بیتاب‌بست آرامم  
(ج ۲، ص ۴۳۲، ب ۲۵)
- ۲- فریاد یک تأمل راهم به دل ندادند/ بر آسمان گشودیم چندین سحر گریبان  
(ج ۲، ص ۶۳۹، ب ۱۵)

۳- ز انتظار صبح باید بر چراغم خون گریست/ بهر یک لب خنده چندین اشک نقصان کرده‌ام  
(ج ۲، ص ۵۳۴، ب ۴)

#### ۵. وابسته با عدد (صد هزار):

۱- جهد صیقل صد هزار آینه با زنگار برد/ خانه‌ها زین خاکدان بر باد رفتن رفته‌است  
(ج ۱، ص ۷۱۴، ب ۹)

۲- گذشته‌ام به شتابی ز خود که نتواند/ به صد هزار قیامت درنگ برگردید  
(ج ۲، ص ۴۴، ب ۱۷)

۳- پروانه مشربان به یک انداز سوختن/ از صد هزار زحمت پروانه رسته‌اند  
(ج ۲، ص ۱۹، ب ۲)

#### ۶. دو وابسته در یک بیت:

۱- هزاران موج ساحل گشت چندین قطره گوهر شد/ همان محمل طراز دوش بی‌تابیست آرامم  
(ج ۲، ص ۴۳۲، ب ۲۵)

۲- آسایشم به راه تو یک نقش پا نبست/ جمعیتم ز زلف تو یک تار مو نشد  
(ج ۲، ص ۳۸، ب ۱)

معدودهای مرکب: صد چمن رنگین قبا

### نتیجه:

یکی از روشهای نوآوری بیدل دهلوی، استفاده از انواع «عدد معدود» است که با حالت‌های گوناگون در شعر خود بکار برده است. بسیاری از این ترکیبات چه آنها که محسوسند و چه آنها که انتزاعیند، ساخته ذهن بیدل بشمار میروند و عملاً مرکز ثقل زیباییهای ادبی شعر اویند. بدیهیست تمام این ترکیبات از ارزش زبانی و ادبی یکسانی برخوردارند همچنین تصاویر این ترکیبات، مجاز به علاقه جزء و کل است یعنی شاعر برای آشنایی زدایی و هنجار شکنی ظرف غیر معمول برای مظلوفش پیدا کرده و آنها را در جایگاه وابسته عددی و معدود نشانده است. بسیاری از این وابسته‌های عددی خاص، بر اثر گذشت زمان و تکرار آن توسط گویشوران آن زبان، به وابسته‌های عددی عام تبدیل شده است (یک قطره خون).

### فهرست منابع:

- ۱- شمیسا، سیروس، سبک‌شناسی شعر، انتشارات فردوس، ۱۳۷۸، تهران.
- ۲- شفیعی کدکنی، محمدرضا، شاعر آینه‌ها، ۱۳۸۵، انتشارات آگاه، تهران.
- ۳- \_\_\_\_\_، ۱۳۷۱، مؤسسه انتشارات آگاه، تهران.
- ۴- حسینی، حسن، بیدل، سپهری و سبک‌های هندی، تهران، سروش، ۱۳۶۸.
- ۵- دهلوی، بیدل، کلیات بیدل دهلوی، تصحیح اکبر بهاروند و پرویز عباسی داکانی، ۱۳۸۶، الهام، تهران.
- ۶- ژیلبر لازار، دستور زبان فارسی معاصر، توضیحات: هرمز میلانیان، هرمس، ۱۳۸۴، تهران.
- ۷- شقاقی، ویدا، ۱۳۸۹، مبانی صرف واژه، سمت، تهران.
- ۸- فتوحی، محمود، ۱۳۸۵، بلاغت تصویر، سخن، تهران.
- ۹- لنگرودی، شمس، ۱۳۷۲، سبک‌های هندی و کلیم‌کاشانی، نشر مرکز، تهران.

### مقاله‌ها

- ۱۰- حایری، محمدحسن، سبک‌های هندی و ناگفته‌های آن، پژوهش‌نامه‌ی علوم انسانی تاریخ ادبیات، ۱۳۸۸: ۶۱/۳، ص ۵۸.
- ۱۱- غنی‌پور، احمد و عیسی‌امن‌خانی، فضولی بغدادی و خاقانی شروانی دو مدعی پیشوای سبک‌های هندی، پژوهش‌نامه علوم انسانی، ۱۳۸۸: ۳/۶۱، ص ۱۲۵.